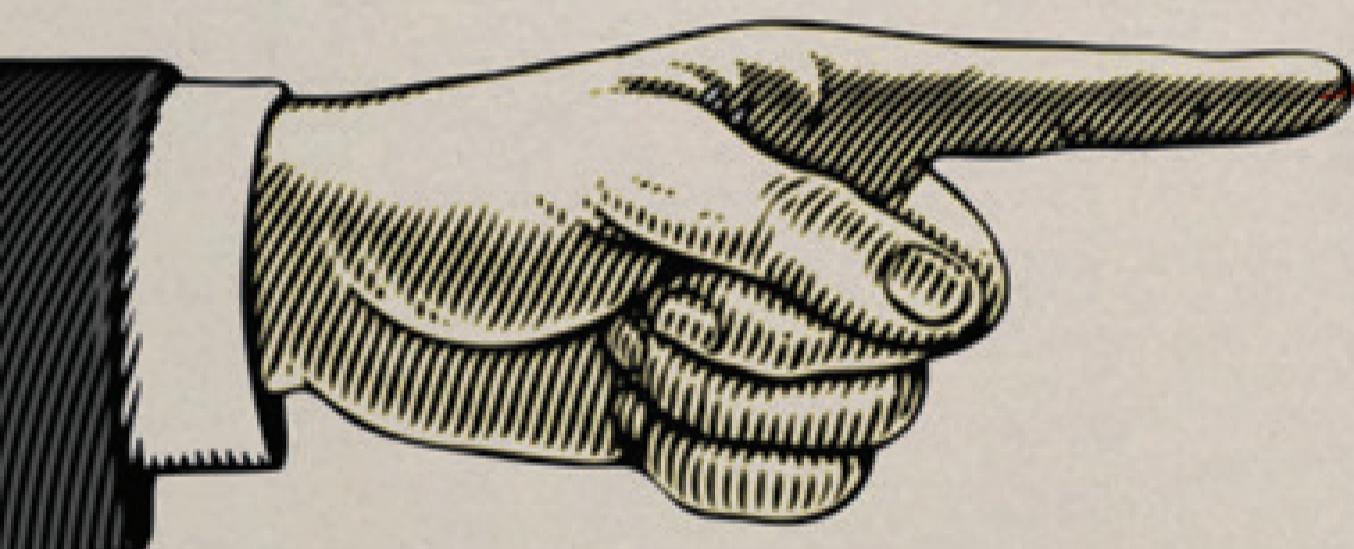


سلسله مباحث تعریف و ادعا

ای کافر!



پدیده تکفیر مسلمانان
به علت مخالفت با برخی از ادکام شریعت
حکم گفتن مسلمانی به مسلمان دیگر : ای کافر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الحمد لله رب العالمين والصلة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين سيدنا ونبينا محمد الأمين وآلها وصحبه أجمعين.

پدیده ای نوظهور؛ انحراف در اندیشه

اخیراً پدیده تکفیر در میان مسلمانان گسترش پیدا کرده و بسیاری از مردم در این مورد تساهل به خرج داده اند تا جایی که جمله: «**ای کافر**» عادت و شیوه بسیاری از آنان قرار گرفته و این تساهل و بی پرواپی منجر به گسترش فتنه، جرأت بر ریختن خون، هتك حرمت و بی آبرویی مسلمان، نافرمانی والدین و از هم گسیخته شدن پیوند خویشاوندی شده است و در نتیجه به خاطر تصحیح باور درست به جان هم درافتاده اند وقطعاً علت آن چیزی جز جهل و کج فهمی از دین اسلام نیست.

خیر! جایز نیست.

زیرا آن حضرت صلی الله عليه وسلم فرمود: «أَيُّمَا أَمْرَئٌ قَالَ لِأَخِيهِ: يَا كَافِرُ، فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدُهُمَا، إِنْ كَانَ كَمَا قَالَ، وَإِلَّا رَجَعْتُ عَلَيْهِ.»^۱ یعنی: «هر گاه یک مسلمانی به برادر مسلمان خودش بگوید: ای کافر، همانا کلمه مذکور (کفر) به یکی از آن دو بر می گردد، اگر چنانچه گفته بود، خوب، و گرنه به خود گوینده باز می گردد.»

سوال: آیا درست است
که یک مسلمان به
مسلمانی دیگر بگوید: «ای
کافر»!

و نیز ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است که آن حضرت صلی الله عليه وسلم فرمود: «هر کس مردی را کافر خواند، یا بگوید: ای دشمن خدا، و آن شخص این گونه نباشد، بر خود وی باز می گردد.^۲

و همچنین ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله عليه وسلم روایت کرده است که فرمود: «هیچ مردی مرد دیگری را کافر نمی داند، مگر این که به یکی از آن دو نفر باز می گردد، اگر آن فرد کافر بود (که به حقش رسیده است)، و گرنه خودش با تکفیر آن فرد، کافر می شود.»^۳



۱- رواه البخاری و مسلم.

۲- متفق عليه.

۳- رواه ابن حبان في صحيحه في كتاب الإيمان.

تصویری اشتباه با فهم غلط

اما آیا از مسلمانان کسانی هستند که دیگران را به خاطر سلوک و رفتارشان تکفیر کنند؟

هر کسی گواهی دهد که معبدی جز الله نیست و محمد فرستاده الله است و با انجام نیکی شادمان گشته و از انجام کار بد در تنگنا و مضایقه قرار گیرد، او مؤمن است.

امیر المؤمنین، عمر بن خطاب رضی الله عنہ می گوید: رسول خد صلی الله علیہ وسلم فرمود: «هر کسی را که نیکی اش او را شادمان بگرداند و بدی اش او را نگران سازد، او مؤمن است.»^۱

پس ای دریغا! کسی که برادرش را «ای کافر!» خطاب می کند، در حالی که او از کسانی است که نیکی اش او را شادمان می گرداند و از عمل بدش دل نگران می شود، بر اثر چه چیزی شهادت علیه او به کفر اولی تر از شهادت به ایمان وی باشد؟!

اعمش از ابوسفیان روایت کرده است که گفت: من به جابر گفتم: آیا شما به کسی از اهل قبله می گفتید: کافر؟ جابر گفت: **خیر**. باز من پرسیدم: می گفتید: مشرک؟ جابر گفت: **پناه بر الله** و آن گاه از این سخن سراسیمه شد.^۲

هر گز! این فتوا درست نیست؛ زیرا صحابه، تابعین و جمهور علماء، این کفر را به «کفر دون کفر» تفسیر کرده اند، یعنی این کار گناه کبیره ای است، اما مرتکب آن از اسلام خارج نمی شود.

اما الله تعالى می گوید: (وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) [المائدہ: ۴۴]. یعنی: «هر کس به آنچه الله نازل کرده است، داوری نکند، پس آنان از کافران اند.» بنابراین، همه حکامی که شریعت را به اجرا در نمی آورند، کافرند و نیز همه افراد و ملتاهایی که به داوری این حکام راضی هستند نیز کافرند! آیا این گونه نیست؟

این دیدگاه ابن عباس، حذیفه، طاووس، مجاهد، احمد بن حنبل، ابن عبدالبر و عامة مفسرین از قبیل: ابن جریر، فخر رازی، بغوی، خازن، قرطی و... است.^۳

هر کس چنین بگوید: او نه عقیله اهل سنت، بلکه منهج و عقیله خوارج را برگزیله است.

امام قرطی در المفہوم در تفسیر آیه: (وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) می گوید: خوارج به ظاهر این آیه استدلال گرفته و انجام دهنده گناه را **کافر می داند** و این آیه دلیلی برای آنان نیست.^۴

امام سمعانی در تفسیر این آیه گفته است: بدان که خوارج از این آیه استدلال گرفته و می گویند: هر کس به آنچه خداوند نازل کرده است، حکم نکند، او کافر است و اهل سنت می گویند: به ترک حکم کافر نمی شود.^۵

سوال:
چه کسی گفته است مراد
از کفر در این آیه، کفر
دون کفر است؟

پس چگونه بسیاری از شیوخ و
دعوتگران می گویند: کسانی که
به غیر از آنچه خداوند نازل کرده
است، حکم کنند، کافرند؟

۱- ابن عبد البر فی التهذیب لـما فی الموطأ من المعانی والأسانید، باب العین مسألة الجزع السابع عشر (۱۷-۲۲).

۲- تفسیر الامام السعینی (۲-۴)

۳- ذکر بتوسع فی المطرویه الاولی

۴- المفہوم لما اشکل من تلخيص سلم، لابی العباس احمد القرطی (۲-۱۰-۱۷).

۵- المرجع السابق ورواہ أبو یعلی والطبرانی فی الكبير ورجاله رجال الصیحیج كما اوردہ نور الدین

الهیثمی فی مجمع الزوائد.

پندارهای از دعوی‌گران

آیا در میان مسلمانان کسانی هستند که مرتکب شرک اکبر شده و از اسلام خارج گردند؟

خیر، در میان مسلمانان کسانی که مرتکب شرک اکبر شده و از دایره اسلام خارج شوند، وجود ندارد.

دلیل این سخن چیست؟

دلیل این ادعا حدیثی است که رسول خد صلی اللہ علیہ وسلم به عقبه بن عامر رضی اللہ عنہ فرمود: «به خدا سو گند، ترس من از این نیست که شما بعد از من، مشرک شوید، بلکه از این می ترسم که شما برای بدست آوردن مال‌آدمیا، به رقابت برخیزید.»

ترس بر امت را در مورد رقابت بر دنیا و آنچه منجر به نابودی وی شود، اثبات کرده اند و ترس بر امت را از عموم شرک اکبر نفی کرده اند، همان گونه که پیامبر معصوم، سیدنا محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم از آن خبر داده است.

چنان که امام ابن عبدالبر در التمهید گفته است: هر کس بر امت محمد از چیزی بترسد که پیامبرش بر آن هراسی نداشته است، **مرتکب عملی ناهنجار شده است.**

آری این حدیث صحیح است، اما این حدیث در ادامه جمله ای دارد که کسی که به آن استفاده می جوید، آن را پنهان می کند و متأسفانه این خیانت علمی به حساب می آید.

اما آیا رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم در حدیثی که امام مسلم روایت کرده است، نگفته است است که شب و روز نمی گذرد مگر این که لات و عزی مورد پرستش قرار می گیرند؟

آیا این امر معقول و منطقی هست؟ پس تکمله این حدیث چیست؟

عایشه رضی اللہ عنہا می گوید: من از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که فرمود: شب و روز تمام نمی شوند مگر این که لات و عزی مورد پرستش قرار می گیرند؟ من عرض کردم: یا رسول اللہ! وقتی این آیه نازل گردید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ
الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) [الصف: ۹]، یعنی: «او کسی است که پیامبرش را بر راه راست و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب بگرداند، گرچه مشرکان ناپسند بدانند.»

گمان بردم کار تمام شده است. پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «تا خدا بخواهد این امر (شرک و بت پرستی) صورت می پذیرد سپس خداوند باد خوشبوی را می فرستد تا روح کسانی را که مؤمن اند بگیرد و بقیه را رها سازد تا به دین پدران و نیاکانشان باز گردند.»

- ۱- رواه البخاری و مسلم.
- ۲- التمهید لما في المؤطرا من المعانى و الآسانيد باب المياه ص ۲۶۴.
- ۳- رواه المسلم في صحيحه.

از اینجا برای ما واضح می‌گردد که پرستش لات و عزی، که بتهایی بودند که در زمان جاهلیت آنان را می‌پرستیدند، باز نمی‌گردد مگر این که در آخر الزمان، به هنگام ظهور علامات قیامت کبری، ارواح همه مؤمنان گرفته شود و این امر هنوز در زمان ما به ظهور نپیوسته است و الحمد لله پیوسته ایمان باقی است.

یک باور اشتباه در میان مسلمانان

اما آیا قبوریهایی که دور قبرها می‌چرخند و طواف می‌کنند و به تعظیم قبور می‌پردازند، مشرک نیستند؟

طواف کردن به دور قبرها حرام است و شرک نیست؛ زیرا شرک آن است که طواف کننده نیت پرستش صاحب قبر را داشته باشد و چنین نیست، بلکه نیت او با این طواف به دور قبر، تقرب الی الله است و این کار حرام است؛ زیرا خداوند عبادت ما را دور کعبه قرار داده است نه به دور قبر.

هر گز! در میان اینها و مشرکان تفاوت بزرگی وجود دارد؛ زیرا مشرکان اعتراف می‌کرند که ما بتهارا می‌پرستیم تا مارا به خداوند نزدیک کنند، اما مسلمانان نادان بر این باور نیستند که اصحاب قبور را می‌پرستند، پس اینها با هم تفاوت آشکاری دارند.

و نیز طواف به دور یک چیزی به منزله عبادت آن چیز نیست چنان که ما به دور کعبه طواف می‌کنیم ولی طواف ما به دور کعبه، به منزله پرستش کعبه نیست، بلکه برای الله است. همچنین کسی که به دور قبر می‌چرخد، قبر را نمی‌پرستد، اما با این کار گناه بدعت طواف به دور قبر را مرتکب شده است و خداوند از آنان نخواسته است تا دور قبور بچرخد و قبلًا در این مورد توضیح دادیم.

اما آیا مگر مشرکان عین همین جمله را بر زبان نمی‌آورند؟ مگر آنان نمی‌گفتند: (مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَقْرِبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَی)، [الزمر: ۳]، یعنی: «ما بتهارا نمی‌پرستیم مگر این که مارا به نزد خداوند نزدیک می‌کنند.» بنابراین، آنان که بتهارا می‌پرستند، هدفشان مانند مشرکان تقرب الی الله است.

آیا دلیل دیگری مبنی بر عدم بازگشت پرستش غیرالله در میان مسلمانان وجود دارد؟

آری، چندین دلیل دیگر وجود دارد، از جمله این که جابر روایت کرده است که من از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: همانا شیطان ناامید شده است از این که نمازگزاران در جزیره العرب وی را پرستش کنند، اما در صدد ایجاد نزاع و کشمکش در میان آنان است. ۱

و نیز ابن مسعود روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «همانا ابلیس ناامید شده است که بتهای در سرزمین عرب مورد پرستش قرار گیرند، اما او به چیزی کمتر از آن از شما راضی می‌شود و آن گناهان صغیره‌ای است که از شما انجام می‌گیرد، حال آن که اینها از مهلكات هستند.» ۲

۱- رواه مسلم فی صحيحه.

۲- اخرجه الحاکم فی المستدرک و صحیحه و وافقه الذہبی.

اینها بر گمراهی و اشتباه قرار دارند، در حالی که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم قبل از ۱۴۰۰ سال مارا از این کار بر حذر داشته است و گویا آلان نیز در میان ما حضور دارد.

اما بسیاری از بزرگان و دعوتگران و انسانهای متشرع یافته می شوند که مردم را تکفیر نموده و متهم به شرک می کنند، پس این چه معنی دارد؟

حدیفه رضی اللہ عنہ روایت می کند که رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «خطرناکترین چیزی که از آن در حق شما می ترسم و احساس خطر می کنم، مردی است که قرآن را خوانده است و همین که تازگی و درخشندگی قرآن بر روی مشاهده شود و مدافع اسلام قرار گیرد، آن را به غیر از چیزی که اللہ خواسته است، تغییر می دهد و آنگهی قرآن را پشت سر انداخته و بر همسایه اش شمشیر می کشد و او را متهم به شرک می کند. حدیفه می گوید: من عرض کردم ای پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدام یک سزاوارتر به شرک است، متهم کننده یا متهم شوهد؟ آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: بلکه متهم کننده.»

سبحان اللہ، پس این همه کشтар، بمب گذاری و خونریزی به دلیل تکفیر و اتهام به شرک باطل است و پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از آن بر حذر داشته است؟

آری، هر کس مرتکب آن شود، بر خطر بزرگی قرار داشته و مرتکب گناه کبیره ای شده است و گناهش به اندازه کسی است که همه مردم را کشته است.

خداؤند می فرماید: (مَنْ أَجْلَ ذَلِكَ كَتَبَنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادَ فِي الْأَرْضِ فَكَانَمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ)، یعنی: «به همین سبب بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز [در مقام قصاص] کسی یا [جز به سبب] فسادی [که] در زمین [مرتكب شده باشد] بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است و هر آن کس که [سبب] زنده ماندن کسی شود، چنان است که گویی همه مردم را زنده داشته است و بی گمان فرستادگان مانشانه های روشی برای آنها آوردند. آن گاه، پس از آن بسیاری از آنها در زمین زیاده روی می کنند.»^۷

و نیز رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «ناسزا گفتن مسلمان فسق و کشتن او کفر است.»^۸

از اللہ تعالیٰ می خواهیم تا مارا از گناه کبیره تکفیر و متهم ساختن مسلمانان به شرک نجات دهد و خون مسلمانان را حفاظت کند و برادران ما را که در گمراهی تکفیر مسلمانان افتاده و این تکفیر آنان را به قتل و کشtar و انفجار کشانده است، هدایت کند و از اللہ می خواهیم تا مسلمانان را از فتنه های ظاهری و باطنی برها ند، همانا او صاحب و قادر به این کار است و او مهربانترین مهربانان است.

۱- روی ابن حبان (۸۱)، والبخاری فی "التاریخ الکبیر" (۷۲۹۰)، والبزار (۲۷۹۳).

۲- [المائدة: ۳۲].

۳- رواه البخاری ومسلم.

تعامل درست با اشتباهات مردم

اگر فرض ابا توجه به آنچه شما در مورد خطر اتهام مسلمانان به شرک ذکر کردید، بپذیریم، پس آیا این بدان معنی است که علماء و دعوتگران در مقابل مخالفتها شرعی و بدعتهایی که در جوامع اسلامی رواج یافته است سکوت را اختیار کنند؟

خیر، باید علماء و داعیان دین برای انجام وظیفه شان جهت تصحیح آنچه مخالف شریعت است، بپا خیزند، اما باید امور ذیل را مراعات کنند:

- اشتباه را با نرمی و مدارا تصحیح کنند و این یکی از رهنمودهای پیامبر و سرورمان محمد صلی الله علیه وسلم است.
- مجموعه امت یا بخش بزرگی از آن از افتادن در کفر و شرک پاک است، مگر آنچه نص قطعی در مورد آن وارد شده باشد.
- بر کسی که به تصحیح اشتباهات عامه مردم می پردازد، لازم است تا درونش را از **شائبه بدگمانی** نسبت به مسلمانان در رفتارها و باورهایشان پاک بگرداند و بداند که افتادن آنان در مخالفات شرعی، توجیه کننده **متهم ساختن آنان به کفر یا شرک نیست** و گر نه نصیحت و اندرز او سودی در بر نخواهد داشت و به نتیجه مطلوبی نخواهد انجامید.
- بر علماء واجب است تا به تخصصات علوم شریعت احترام بگزارند، مثلا برای کسی که متخصص علم حدیث است، نباید فتوا بدهد تا زمانی که تخصص در علم فقه را دارا نیست و نیز ناقل فتوا حق ندارد پا به مرحله اجتهاد بگذارد تا زمانی که فقه را بلد نیست.
- دعوتگرانی که در علم فقه مهارت ندارند، شدیدا به امر دعوت و اصلاح جوانان اهمیت داده و آنان را به سمت الله بکشانند، اما نه از مصدر فتوا.

سلسله مباحث تحریف و ادعاهای بی مورد

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: این علم را از هر بازمندگان، عادلانش بر میدارند و آن را از تحریف افراطگران و نسبتهاي اهل باطل و تأویل جاهلان حفظ می کنند. ^۱

بنابراین، گروهی از مردم هستند که برداشت‌های نادرستی از کلام خداوند سبحان و پیامبر صلی الله علیه وسلم دارند به شیوه‌ای که با منهج علمی ای که از سلف صالح به مارسیده است، سازگار نبوده و با مقاصد دین و ارزش‌های بزرگ الهی هماهنگ نیست.

برخی از آیات قرآن را که در مورد غیر مسلمانان نازل شده‌اند را برای مسلمانان اجرا می کنند و از آیات خاص، احکام عام صادر می کنند و به تحریف مفاهیم قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم می پردازند، به طوری که منجر به ریشه زدن مفاهیم و برداشت‌های اشتباهی در ذهن عامة مسلمانان شده و در نتیجه از آنان رفتارها و واکنش‌هایی سر می زند که هیچ ارتباطی به دین اسلام ندارد.
ما در خلال این سلسله برنامه‌ها به اشتباهات صاحبان این افکار آشنا خواهیم شد.

۱- حدیث مشهور صحیح ابن عبار، روی عن احمد بن حبیل انه قال، هو حدیث صحیح